



یک مرد بود و صفت .

یک مرد بود و صفت .

یک مرد بود و صفت .

یک مرد بود و صفت .

رازی که رفته ماند آن مرد مرده صفت ؟

همتی خوش را همچون درخت کاشت

در دامن زمین

تا سایه افکند بر خستگان راه

تا یکصد بهار در شاخ و برگش

تا مرده آرد از آزادی دلش

آن دربان درخت بین بیوه که در

با نوز آفتاب با گشت سالها

بر روی ریشه اش روید نهالی ؟

گل آورد بیار باز آید آل ؟

گر سگزه سگت

رزی که بود - صفت . . .

۱۶۵۰